

تدبیر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

هفدهم ربيع الاول ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۸/۲

ميلاد خجسته پیامبر نور و رحمت محمد مصطفى (صلى الله عليه وآله)

را به پیشگاه اهل بیت عصمت و طهارت بویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) و به همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تبریک و تهنیت عرض می کنم.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ الطَّيِّبِينَ فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَ جِيبَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ إِنِّي أَتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ يَقْبَلَ مِنِّي عَمَلِي.

از ازل بر همه ذرات جهان تا عرصات
دل با تو خوش است یگانه معبود حیات
رسد از آبروی آل محمد برکات
معنای تمام مطلق از حسنات
گویند که خشنود شوی ، چون گویند
بر خاتم انبیاء محمد صلوات

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحَ مَا أَعْطَيْتَنِي أَبَدًا، اللَّهُمَّ لَا تَشْمُتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تُرَدِّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ - پروردگارا! هرگز از من نیک‌ترین عطاها را باز پس نگیر! خدایا! مرا در معرض شماتت دشمن و افراد حسود قرار نده! بار الها! مرا دوباره به حوادث بد و ناگوار که نجات داده‌ای برنگردان! بار پروردگارا! مرا [یک لحظه] به اندازه چشم به هم زدن به نفس خودم واگذار مکن!» (تفسیر قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، ج ۲، ص ۷۴)

موضوع تدبیر :

آیا پیامبر رحمت در این دعاها به ما می آموزد که مهم ترین نیازهای زندگی ما چیست؟ یا آنکه همیشه چه درخواستی در هنگام دعا از خدای خود باشیم؟ یا آن که برنامه و کار و تلاش یک عمر زندگی را به ما آموزش می دهد؟ و یا اهمیت و ضرورت دعا و مناجات را به ما یادآوری می فرماید؟ چه چیز دیگری از این دعاها می شود فهمید؟

پاسخ اجمالی: این است که « همه این ها و بیشتر »

امّ سلمه در گزارشی از چگونگی عبادات و راز و نیازهای شبانه پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: «وقتی در نیمه های شب، متوجه عدم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شدم به جستجو پرداختم و با کمال شگفتی دیدم حضرت در نیمه های تاریک شب در گوشه ای ایستاده، دستها را به سوی آسمان دراز کرده و اشک از چشمانش سرازیر است و با خداوند راز و نیاز می کند و با لحنی آکنده از عشق و سوز و معرفت می گوید: «اللَّهُمَّ لَا تَنْزَعْ مِنِّي صَالِحَ مَا أُعْطِيتَنِي أَبَدًا، اللَّهُمَّ لَا تَشْمُتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا - پروردگارا! هرگز از من نیکترین عطاهایت را باز پس نگیر! خدایا! مرا در معرض شماتت دشمن و افراد حسود قرار نده! بار الها! مرا دوباره به حوادث بد و ناگوار که نجات داده ای برنگردان! بار پروردگارا! مرا [یک لحظه] به اندازه چشم به هم زدن به نفس خودم واگذار مکن!» امّ سلمه با دیدن این حالت عرفانی و سراسر عشق و خلوص پیامبر صلی الله علیه و آله به گریه افتاد تا اینکه پیامبر متوجه او شد و فرمود: «ای ام سلمه! چرا گریه می کنی؟» گفت: «ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! شما با آن مقام و منزلت که نزد خدای متعال داری این گونه با تضرع و خشوع و التماس دعا می کنی و حاجت می طلبی؟» پیامبر فرمود: «ای ام سلمه! من چگونه خود را در امان ببینم که خداوند یک لحظه «یونس بن متی» را به خودش واگذار کرد و او را به حالش رها کرد. به آن حادثه دردناک گرفتار شد.»

امام باقر علیه السلام درباره تلاوتهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آهنگ صدای پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام تلاوت قرآن، آن چنان زیبا بود که دلها را جذب می کرد و از همه مسلمانان دلربا تر می خواند.»

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از تلاوت قرآن از شیطان به خدا پناه می برد و می فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» وقتی به آیه ۶۱ یونس می رسید - که نظارت و علم و آگاهی خداوند را بر اعمال بندگان بیان می کند - گریه شدیدی به آن حضرت دست می داد و از خوف جلال و عظمت الهی منقلب می شد. (کنز الدقائق، ج ۷، ص ۴۲۳، ۶) خداوند در آن آیه می فرماید: «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ - در هیچ حال و اندیشه ای نیستی و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی و هیچ عملی را انجام نمی دهید؛ مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم، در آن هنگام که در آن وارد می شوید و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند؛ حتی به اندازه سنگینی ذره ای و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر؛ مگر اینکه همه آنها در کتاب آشکار [و لوح محفوظ علم خداوند] ثبت است.» (یونس/۶۱)

در کردن سحر ذوفنون باد

چشم تو ز بهر دلربایی

بی صبر و قرار و بی سکون باد

هر جا که دلیست در غم تو

پیش الف قدت چو نون باد

قد همه دلبران عالم

از حلقه وصل تو برون باد

هر دل که ز عشق تست خالی

امام صادق علیه السلام ضمن بیان چگونگی نمازهای شبانه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «آن حضرت، چون شب می خواست بخوابد ظرف آب سرپوشیده ای را بالای سرش می گذاشت و مسواک خود را هم در کنارش قرار می داد و می خوابید. چون از خواب بیدار می شد به آسمان نگاه می کرد و آیات:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...»؛ (ال عمران/ ۱۹۰)

را می‌خواند سپس دندانهایش را مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل عبادت خود می‌رفت و چهار رکعت از نماز شب را می‌خواند که رکوع هر رکعتش به قدر قرائت و سجودش به قدر رکوع آن طول می‌کشید؛ به حدی که گفته می‌شد: کی سر از رکوع برمی‌دارد و به سجده می‌رود؟! و همچنین سجده‌اش به حدی طولانی بود که گفته می‌شد چه وقت سر برمی‌دارد؟ آن‌گاه به بستر خود برمی‌گشت و آن قدر که مشیت الهی بود می‌خوابید و سپس بیدار می‌شد، می‌نشست و چشمانش را به آسمان می‌دوخت و همان آیات را تلاوت می‌فرمود. آن‌گاه مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل عبادتش می‌رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب به همان صورت اول می‌پرداخت و دوباره به بستر خود باز می‌گشت و مقداری دیگر نیز می‌خوابید. سپس بیدار می‌شد، نگاه به آسمان می‌کرد و همان آیات را تلاوت می‌فرمود و دوباره مسواک کرده، وضو می‌گرفت و مابقی نماز شب (شفع و وتر) را می‌خواند. سپس برای ادای فریضه صبح وارد مسجد می‌شد. (سنن النبی، ص ۲۴۰)

شیخ صدوق درباره نماز شب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت می‌کند که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله هفتاد بار در نماز «وتر» استغفار می‌کرد و سپس می‌فرمود: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ - خدایا! این مقام کسی است که از آتش جهنم به تو پناهنده می‌شود.» همچنین آن حضرت در قنوت نماز «وتر» این‌گونه با خدا نجوا می‌کرد: «اللَّهُمَّ اهدني فيمن هديت، وعافني فيمن عافيت، وتولني فيمن توليت، وبارك لي فيما أعطيت، وقني شرَّ ما قضيت، إِنَّكَ تقضي ولا يُقضى عليك، سبحانك ربَّ البيت، أستغفرک وأتوب إليك، وأؤمن بك وأتوكل عليك، ولا حول ولا قوه إلا بك يا رحيم - خدایا! مرا در زمره هدایت‌شدگان رهبری فرما و از عافیت‌یافتگان قرار ده. عطاهايت را برايم مبارک فرما و مرا از شرور حتمی، نجات ده. خدایا! کسی بر تو حکومت نمی‌کند و تمام حکومت، تنها از آن توست. ای خدای کعبه! تو پاک و منزهی. از تو آمرزش می‌خواهم و به سویت باز می‌گردم و به تو ایمان می‌آورم و توکل می‌کنم و لا حول ولا قوه إلا بك يا رحيم.» (سنن النبی، ص ۳۳۰ و ۳۳۱)

اساساً معیار ارزش انسان نزد خدای متعال به نمازها، دعاها، نیایشهای عاشقانه و خالصانه و مقام عبودیت اوست؛ همچنان که قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» [ای رسول ما!] بگو اگر دعا و مناجات شما نباشد، پروردگارم هیچ ارزشی برای شما قائل نیست. «(فرقان/۷۷)

طبق این آیه، ارزش واقعی یک انسان نزد خداوند به شهرت، دارایی، علم و مقام نیست؛ بلکه به عبودیت، خضوع، دعا و التماس در مقابل پروردگار جهانیان بستگی دارد. هر کسی ارتباطش با خداوند بیشتر باشد، نزد خداوند مقام والاتری دارد. وقتی از امام باقر علیه‌السلام از تفسیر این آیه سؤال شد که آیا تلاوت قرآن افضل است یا دعای بسیار؟ امام فرمود: «دعای فراوان» و آیه فوق را تلاوت کرد. (منهج الصادقین، ج ۶، ص ۳۹۹)

خداوند می‌فرماید: «ما این قرآن را که سخن ثقیلی است بر تو القا می‌کنیم» و [چون] دریافتن این کلام بلند و متعالی نیاز به روحی بلند و دلی پاک و مطهر دارد و تفکر و مناجات و شب‌زنده‌داری و خلوت با خدای عالمیان می‌تواند چنین آمادگی را ایجاد کند، به همین جهت می‌فرماید: «فُمِ اللَّيْلُ إِلَّا قَلِيلًا * نَصَفَهُوْ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا - در شب [برای تهجد] به پا خیز؛ مگر اندکی از شب را. نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده و با تأمل بخوان. (مزمل/۲ - ۴) « (تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۰، ص ۶۱)

خداوند متعال در این آیات (مزمل/۲ - ۴) برای اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیام وحیانی خدا را دریافت و به اصلاح جامعه قیام کند، نخست، دستور سحرخیزی و عبادت شبانه می‌دهد. آری، اصلاح جامعه به خودسازی فردی نیاز دارد که جهاد اکبر و زیربنای انجام رسالتی عظیم و بزرگ است.

رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) علاقه خود را به نماز با مثالی دیگر توضیح می‌دهد و می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّبَ إِلَى الصَّلَاةِ كَمَا حَبَّبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ - خداوند متعال روشنایی چشمانم را در نماز قرار داد و نماز را محبوب دلم گردانید؛ همچنان که

غذا و آب را محبوب دل گرسنه و تشنه نمود. گرسنه هر گاه غذا بخورد، سیر می شود و انسان تشنه اگر آب بنوشد، سیراب می شود؛ اما من هرگز از نماز سیر نمی شوم.» (امالی شیخ طوسی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۲۸)

دلی کو عاشق رویت نباشد
همیشه غرقه در خون جگر باد
مرا از تست هر دم تازه عشقی
ترا هر ساعتی حسن دگر باد

خداوند متعال، باز هم رسول گرامی اسلام را به عبادت و بندگی خالص ترغیب و تشویق می کند و می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ - ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم. پس خدا را عبادت کن در حالی که دین خود را برای او خالص می گردانی.» (زمر/۲)

همچنین در سوره حجر، آن حضرت را در برابر مشکلات، این گونه بیمه می کند: «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ * وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ - ما می دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ می شود (و تو را سخت ناراحت می کنند). پروردگارت را تسبیح و حمد گو و از سجده کنندگان باش و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) تو فرا رسد.» (حجر/۹۷ - ۹۹)

رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان را همانند لباس انسان معرفی می کند، و می فرماید: «مَثَلُ الْإِيمَانِ مَثَلُ الْمَقْمِصِ تَقَمَّصَهُ مَرَّةً وَ تَنَزَّعَهُ أُخْرَى - ایمان همانند پیراهن است که شخص گاهی آن را می پوشد و گاهی از تن بیرون می آورد.» (الجامع الصغير، جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۵۲۷)

یعنی انسان وقتی با انگیزه الهی به سوی انجام اعمال خیر می رود، لباس ایمان در بر دارد و هنگامی که از خداوند غفلت کرده، با ترک واجبات و انجام محرمات، معصیت می کند، لباس ایمان را از وجودش کنده است. آن حضرت در همین خصوص مثلی دیگر دارد که می فرماید: «إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَخْلُقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ النَّوْبُ الْخَلْقُ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجِدَّ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ - ایمان در درون شما کهنه و فرسوده می شود؛ همان گونه که لباس در تن شما کهنه می شود. پس از خدای متعال بخواهید که ایمان را در قلبهایتان تازه و نو گرداند!» (فیض القدير، محمد الحناوی، ج ۲، ص ۴۱۰)

گر رضای حق همی جویی دلا
در خلاف نفس شو ثابت قدم
تا نگردد نفس تابع روح را
باطن نفس ما چون هست کافر
زنو هر لحظه ایمان تازه گردان
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

پیشه خود کن خلاف نفس را
تا که ره یابی باسرار قدم
کی دوا یابی دل مجروح را
مشو راضی بدین اسلام ظاهر
مسلمان شو مسلمان شو مسلمان